

بررسی نقش میانجی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در ارتباط بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی زنان شاغل: تمرکز بر میل به فرزندآوری

صدیقه حیدری^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در ارتباط بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی زنان شاغل با تمرکز بر میل به فرزندآوری در تابستان سال ۱۴۰۲ است. برای انجام پژوهش، از بین جامعه آماری زنان شاغل در بیمارستان شهید بهشتی شهر شیراز تعداد ۲۰۰ نفر براساس نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس مقیاس سازگاری زناشویی اسپاینز (۱۹۷۶)، حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت (۱۹۸۸) و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل (۱۳۹۵) بین شرکت‌کنندگان پژوهش توزیع شد تا پاسخ دهند. یافته‌ها نشان داد حمایت اجتماعی رابطه مثبت معنادار با سازگاری زناشویی و رابطه منفی معنادار با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی داشته است ($p < 0.01$). همچنین الگوی مدل‌یابی تحلیل مسیر نشان‌دهنده نقش مثبت حمایت اجتماعی در سازگاری زناشویی و همچنین نقش منفی در اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بود. علاوه بر این، نقش مثبت حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی در فرزندآوری نیز تایید شد. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نیز نقش منفی در فرزندآوری داشته است. در مجموع، نتایج از این فرضیه حمایت کرد که حمایت اجتماعی باعث وابستگی کمتر به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل و افزایش سازگاری زناشویی و تمایل به داشتن فرزند در زنان شاغل می‌شود. از سوی دیگر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی باعث عدم تمایل افراد به فرزند داشتن می‌گردد. براساس نتایج به دست آمده از پژوهش می‌توان به بررسی تعیین‌کنندگی سایر متغیرها در متغیر سازگاری زناشویی پرداخته و در جهت طراحی و کاربست برنامه مداخلاتی مبتنی بر افزایش حمایت اجتماعی در راستای ارتقاء شاخص سازگاری زناشویی در مراکز مشاوره خانواده و ازدواج اقدام نمود.

کلیدواژه‌ها: حمایت اجتماعی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، سازگاری زناشویی، زنان شاغل، تحلیل مسیر.

مقدمه و بیان مسئله

خانواده، یکی از نهادهای مهم در جوامع به خصوص در جامعه ایران محسوب می‌شود که اگر از عملکرد مناسبی برخوردار باشد، اعضای خانواده نیز از سلامت و بهزیستی برخوردار خواهند بود. نهاد خانواده به زیرمجموعه‌هایی تقسیم می‌شود که اصلی‌ترین آن، نظام زناشویی است که نقطه وصل آن، پیمان ازدواج است (گونسزاروسکی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). در این راستا؛ لازمه تقویت زندگی خانوادگی، ثبات و دوام آن و نوع نگرش و طرز تعامل زوج‌ها با یکدیگر است و مطالعه روابط زوج‌ها به روشن شدن چهارچوب‌های ساختاری که رابطه زوج‌ها در آن شکل می‌گیرد کمک می‌کند (نظری و همکاران، ۱۳۹۷؛ به نقل از کشاورزهدایتی و همکاران، ۱۳۹۹). در بیشتر جوامع، بررسی کیفیت روابط زناشویی نقش اساسی در ارزیابی کیفیت کلی ارتباط‌های خانوادگی دارد. از این رو، کیفیت روابط زناشویی مفهومی چندبعدی است که شامل ابعاد گوناگون ارتباط‌های زوجی، مانند سازگاری، رضایت، شادمانی و انسجام می‌شود (فتح‌اله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). زوج‌هایی که با یکدیگر سازگار و موافق‌اند از زندگی زناشویی خود نسبتاً رضایت دارند، به همراه یکدیگر به حل مشکلات زندگی می‌پردازند و از زندگی زناشویی و جنسی خود رضایت‌مند هستند (نظری و کربلایی میگوئی، ۱۳۹۶).

در این بین، به نظر می‌رسد استفاده بیش از حد هر یک از زوجین از شبکه‌های اجتماعی، موجب دور شدن آن‌ها از یکدیگر و کاهش رضایت زناشویی می‌شود (لطیفیان و همکاران، ۱۳۹۶) و این در حالی است که این روزها استفاده از شبکه‌های اجتماعی از محبوبیت بسیاری برخوردار است (فتوحی و همکاران، ۱۴۰۲) چرا که عصر حاضر، عصر شبکه‌هاست. عصری که در آن شکل‌گیری شبکه‌های گوناگون اجتماعی برخط، شیوه‌های ارتباطی زیادی را به عرصه گسترده ارتباطات اجتماعی معرفی کرده است (کریمی ربانی و مومنی، ۱۳۹۴). شبکه‌های اجتماعی که جوامع مجازی هستند و در آن هر فردی می‌تواند با ارائه پروفایل و هویت دلخواه از خود، با دوستان واقعی یا دیگر افراد جامعه رابطه داشته باشد (اسمیت^۲ و همکاران، ۲۰۰۹؛ به نقل از دشتی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۷)؛ امروزه در بستر تلفن‌های همراه قرار گرفته‌اند که پرکاربردترین ابزارهای

1. Gonczarowski
2. Smith

مخصوص شبکه‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند؛ در ایران دستاورد پژوهشی حاکی از آن بود که ۲۹/۷، ۱۱/۲ و ۰/۹ درصد افراد به ترتیب وابستگی پایین، متوسط و شدید به شبکه‌های اجتماعی داشتند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸). دستاورد پژوهش دیگری نیز حاکی از تأثیر منفی این شبکه‌ها بر گرایش‌های دینی و اخلاق جوانان بود (قرباغی و همکاران، ۱۴۰۰). علاوه بر این تمام متغیرهای زمینه‌ای نظیر تحصیلات، شغل و جنس بر محور شبکه‌های اجتماعی بر بنیان خانواده تأثیر گذار بوده، همچنین متغیرهایی نظیر پرخاشگری، اعتماد و حفظ حریم خانوادگی (در سایه شبکه‌های اجتماعی مجازی)، اعضای خانواده را به صورت معنادار تحت تأثیر خود قرار داده‌اند (نیک‌بخش، ۱۳۹۷).

در مجموع، جنبه سادگی و سهولت برقراری ارتباط در شبکه‌های اجتماعی موجب بروز وابستگی هر چه بیشتر افراد به این رسانه‌ها شده است. کاربران شبکه‌های اجتماعی تا سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۳ میلیارد نفر تخمین زده شده‌اند. در ایران حدود ۴۷ میلیون نفر یعنی حدود ۵۷٪ جمعیت کشور تا سال ۲۰۱۹ عضو شبکه‌های اجتماعی بوده‌اند و تنها در سال ۲۰۱۸، ۷ میلیون کاربر جدید ایرانی در شبکه‌های اجتماعی فعالیت خود را آغاز کرده‌اند (فایننشال تریبیون^۱، ۲۰۱۹؛ به نقل از پورنقاش تهرانی و خاکی صدیق، ۱۴۰۱). استفاده بیش از حد از این رسانه‌ها اثرات مخربی بر سلامت روان بر جای می‌گذارد (مارینو^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). از این رو، با توجه به زیربنای اجتماعی این شبکه‌های اجتماعی، توجه به متغیرهای اجتماعی نیز در بررسی عوامل موثر بر اعتیاد به این سکوها^۳ ضروری به نظر می‌رسد. یکی از این عوامل، حمایت اجتماعی است که بیانگر میزان حمایتی است که شخص، از افراد خانواده، دوستان و افراد مهم دیگر زندگی خود دریافت و ادراک می‌کند (هرندی و همکاران، ۱۳۹۶).

حمایت اجتماعی به فرآیندی گفته می‌شود که در آن تقابل‌های بین‌فردی را از طریق افزایش حس تطابق، عزت‌مندی، وابستگی عاطفی و توانمندی، وضعیت جسمی و روحی - روانی افراد بهبود می‌بخشد و توسط اشخاصی ارائه می‌شوند که فرد به آن‌ها علاقمند است و یا برایشان ارزش قائل می‌شود (هترینگتون^۴، ۲۰۱۹؛ ماشو و ادکویا^۵، ۲۰۱۴؛ سورکان^۶ و همکاران، ۲۰۱۹). به بیان

1. Financial Tribune
2. Marineo
3. Platforms
4. Hetherington
5. Masho and Adekoya
6. Surkan

دیگر این افراد از جمله همسر، بستگان، دوستان و حتی نهادهای مذهبی بخشی از شبکه اجتماعی او به‌شمار می‌روند (مسعودنیا، ۲۰۱۱؛ به نقل از ایرانی فرد و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، توجه به زنان به‌خصوص زنان شاغل، به علت حساسیت‌هایی که دارند، مهم است. پدیده اشتغال و کار زنان از ابتدای زندگی اجتماعی بشر وجود داشته، ولی در فراز و نشیب‌هایی قرار گرفته است. در جوامع امروزی زنان هم‌پای مردان در جامعه کار می‌کنند و از جایگاه اجتماعی برخوردارند (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۰). این گروه به دلیل پذیرش و ایفای تعهدات بیشتر و جدیدتر با فشارهایی مواجه هستند که یکی از این فشارها تعارض کار/ خانواده است. چنانچه این مسئله مدیریت نشود، می‌تواند پیامدهایی ناخواسته بر انسجام اجتماعی و کارکردهای خانواده و نیز سلامت روانی و اجتماعی اعضای آن داشته باشد (خوشدل و همکاران، ۱۳۹۵). تغییر و تحولات در ساختار خانواده، افزایش سطح تحصیلات، شهرنشینی، مشارکت زنان در بازار کار را می‌توان در انطباق فرایند انتقال جمعیت دوم در ایران با تاثیرپذیری در بسیاری از مولفه‌های جمعیتی از جمله فرزندآوری به وضوح مشاهده کرد (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۰).

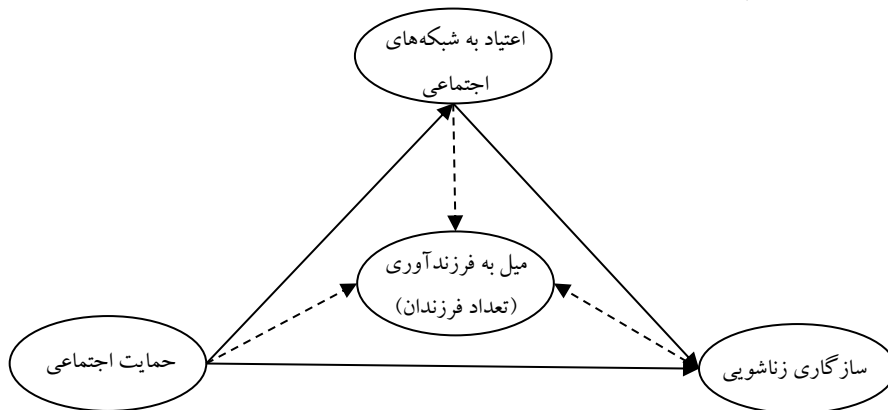
دستاورد پژوهش مشفق و همکاران (۱۳۹۶) نشان داده است که شاغل بودن و گروه شغلی اثرات معناداری بر تمایلات فرزندآوری و فاصله‌گذاری بین مولید داشته و از نظر آماری تفاوت‌ها بین میانگین تعداد فرزندان و تمایل به فرزندآوری بین زنان شاغل و غیرشاغل معنادار شد. علاوه بر این، زنان شاغل پاره‌وقت نسبت به زنان شاغل تمام‌وقت تعداد فرزند بیشتری به دنیا می‌آورند (شمس قهفرخی، ۱۳۹۷).

گزارش‌ها نیز حاکی از آن است که بیش از ۵۰ درصد زنان شاغل مورد مطالعه در استان‌های چهارمحال و بختیاری، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد تمایل به داشتن ۳-۴ بچه هستند، در حالی که ۸۹/۷، ۹۲ و ۸۸ درصد زنان شاغل به ترتیب در استان گیلان، البرز و فارس به‌طور متوسط خواستار ۱-۲ بچه هستند. تمایل به بیشترین زمان فاصله‌گذاری بین تولدها در بین زنان شاغل استان‌های همدان (۴۵ درصد)، سمنان (۴۱/۷ درصد) و خوزستان (۴۱/۴ درصد) و در مقابل، تمایل به کمترین فاصله‌گذاری زمانی بین تولدها در بین زنان شاغل ساکن در استان‌های فارس (۳۴ درصد)، مرکزی (۳۴/۱ درصد) و چهارمحال بختیاری (۴۲/۹ درصد) مشاهده شد (مشفق و همکاران، ۱۳۹۶). علاوه بر این دستاورد پژوهش (دری‌نجف‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱) حاکی از آن بود که اشتغال زنان تأثیر منفی و معناداری بر باروری داشته؛ به نحوی که اشتغال آن‌ها به‌طور متوسط حدود

۷ درصد اندازه خانوار را کاهش داده است. با عنایت به مطالب بیان شده، به نظر می‌رسد حمایت اجتماعی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و سازگاری زناشویی، سه راس یک مثلث هستند که در مرکز آن میل به فرزندآوری را تحت تاثیر قرار می‌دهند. از این‌رو، در این پژوهش، پژوهشگر سعی بر آن دارد تا با ترسیم مدل تحلیل مسیر به پاسخ این سوال دست یابد که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در ارتباط بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی زنان شاغل (با تمرکز بر میل به فرزندآوری) چه نقشی ایفا می‌کند؟

مبانی نظری پژوهش

با توجه به متون بررسی شده، می‌توان ارتباط احتمالی بین متغیرهای پژوهش را در قالب مدل مفهومی زیر ترسیم نمود.



پیشینه پژوهش

فتوحی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی گزارش نمودند که اعتیاد به اینستاگرام می‌تواند بین ویژگی‌های شخصیتی و تعهد زناشویی نقش میانجی ایفا نماید. بنابراین با توجه به اثرات عدم تعهد زناشویی بر زوجین، خانواده‌ها و جامعه، شناسایی متغیرهای دخیل در این مهم می‌تواند زمینه را جهت برنامه‌ریزی به‌منظور پیشگیری و درمان فراهم سازد. پورنقاش تهرانی و خاکی صدیق (۱۴۰۱) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که میان

حمایت اجتماعی ادراک شده و اعتیاد به سکوها‌های اجتماعی رابطه‌ی معنی‌دار با جهت منفی وجود داشت. همچنین، مدل پژوهش نشان داد که نقش میانجی حمایت اجتماعی ادراک شده تنها در رابطه‌ی سبک دلبستگی ایمن با اعتیاد به پلتفرم‌های اجتماعی معنادار بوده است.

محمدی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که وابستگی به شبکه‌های مجازی و اینترنت موجب مشکلات رفتاری، مشکلات عاطفی - شناختی، تغییر در سبک زندگی، انحطاط فرهنگی و تغییر ارزش‌های مذهبی می‌گردد.

فرداد و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی و الگوهای ارتباطی با میانجی‌گری هوش هیجانی قابل پیش‌بینی است. بنابراین برای انسجام و خلق رابطه زناشویی مطلوب، می‌توان با تقویت هوش هیجانی هریک از زوج‌ها، تمایز یافتگی و نوع الگوهای ارتباطی و تقابل عناصر درون روانی آن‌ها، روابط زوج‌ها را بهبود بخشید.

شریفی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با هدف پیش‌بینی نگرش به روابط فرازناشویی براساس میزان استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای ناسازگار اولیه به این نتایج دست یافتند که همبستگی معنی‌داری بین میزان استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی با نگرش به روابط فرازناشویی وجود داشت. بنابراین می‌توان با آموزش مهارت‌های لازم در خصوص میزان استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی و همچنین بررسی ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای ناسازگار اولیه در مشاوره‌های پیش از ازدواج تا میزان زیادی پیشگیری‌های لازم را به‌عمل آورد.

قنادزادگان و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که حمایت اجتماعی بر اعتیاد به اینترنت اثر مستقیم و با میانجی‌گری ناگویی خلقی^۱ اثر غیرمستقیم داشته؛ ناگویی خلقی با اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و معنادار داشته و همچنین حمایت اجتماعی با ناگویی خلقی رابطه منفی و معنادار را نشان داده است. بنابراین، در زمینه اعتیاد به اینترنت، بایستی متغیرهای حمایت اجتماعی و ناگویی خلقی مورد توجه قرار گیرد.

۱. از دیدگاه Schimmenti و همکاران (۲۰۱۷) ناگویی خلقی، یک اختلال در عملکرد شناختی - هیجانی است که در آن فرد ناتوان از انتقال تجارب هیجانی خود در قالب احساس‌ها و تصوراتی است که عواطف را نمادین ساخته و بیان می‌دارند

کشاوریهدایتی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که مهارت‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، از طریق افزایش خودآگاهی هر یک از زوجین، باعث آگاهی به نیازها، توقعات و امیال شخصی می‌شود؛ این آگاهی به نوبه خود، و از طریق مهارت‌های ارتباطی، به همسر ابراز شده و باعث درک متقابل می‌گردد که این روند، باعث افزایش رضایت زناشویی می‌شود.

حسینی و نیکنام (۱۳۹۹) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که بین مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار و بین رضایت زناشویی و مهارت‌های ارتباطی با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه منفی و معناداری وجود داشت. با توجه اینکه مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه داشتند، لازم است متخصصین سلامت روان آگاه‌سازی در مورد پدیده اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و آثار و پیامدهای آن بر روابط زوجین، انجام دهند.

طهماسبی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که بین اعتیاد به اینترنت و حساسیت بین فردی؛ اعتیاد به اینترنت و حمایت اجتماعی و بین حمایت اجتماعی و حساسیت بین فردی همبستگی وجود داشت. همچنین نتایج تحلیل مسیر نشان داد، مسیر حساسیت بین فردی و وابستگی به اینترنت در سطح ۰/۰۵، مسیر حساسیت بین فردی و حمایت اجتماعی و حمایت اجتماعی به وابستگی به اینترنت در سطح ۰/۰۱ به لحاظ آماری معنادار بود. بنابراین حمایت اجتماعی و حساسیت بین فردی می‌توانند به عنوان متغیرهای کلیدی نقش مهمی در وابستگی به فضای مجازی داشته باشند. در نتیجه لازم است جهت پیشگیری، برنامه‌ریزی‌های صحیح صورت پذیرد تا سلامت روان جامعه بهبود یابد.

فریبرز و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که رابطه آماری مستقیم بین متغیرهای مستقل اعتیاد اینترنتی و متغیر وابسته طلاق عاطفی با ضریب تأثیر ۰/۱۶ وجود داشت؛ اما اعتیاد اینترنتی به واسطه متغیرهای صمیمیت، از خودبیگانگی، دینداری، سلامت روانی و پابندی نسبت به سنت‌ها و ارزش‌ها بر متغیر وابسته تأثیر گذار و دارای رابطه‌ای معنادار بود که از این بین، متغیر صمیمیت زناشویی دارای بیشترین مقدار ضریب تأثیر بود.

عباسی و منتظر (۱۳۹۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین قدردانی، شوخ‌طبعی و

حمایت اجتماعی با رضایت زناشویی پرستاران، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت. در مدل پیش‌بین، متغیرهای قدردانی، حمایت اجتماعی و شوخ‌طبعی توانستند ۱۹/۹ درصد از تغییرات رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند. درخشان و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین سازگاری زناشویی با حمایت اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

دستاورد پژوهش ملکیان و بهادری (۱۳۹۶) بیانگر آن بود که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و صمیمیت زوجین رابطه منفی و معناداری وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و پایبندی به تعهدات، علاقه و محبت زوجین رابطه منفی و معناداری وجود داشت.

کریمی ربانی و مومنی (۱۳۹۴) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند که بین نمره کلی حمایت اجتماعی ادراک شده و همچنین زیرمقیاس‌های حمایت اجتماعی از سوی خانواده و اطرافیان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه منفی و معناداری وجود داشت. همچنین نتایج رگرسیون گام به گام حاکی از آن بود که حمایت اجتماعی می‌تواند واریانس استفاده از شبکه‌های اجتماعی را به‌طور معنادار تبیین کند.

عباس و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی بیان نمودند حمایت اجتماعی دارای رابطه مثبت و معناداری با سازگاری زناشویی بود، هرچند که با اضطراب، افسردگی و استرس در زنان شاغل و بیکار رابطه منفی نشان داد. این یافته نشان‌دهنده سلامت روانی بهتر جمعیت مورد مطالعه بود. یافته‌ها نشان داد که سازگاری زناشویی با افسردگی و اضطراب در زنان شاغل و غیرشاغل متاهل رابطه منفی داشته، حمایت اجتماعی به‌عنوان تعدیل‌کننده انسجام زناشویی، محبت، استرس و افسردگی عمل کرده و همچنین زنان غیرشاغل با انسجام و محبت زناشویی بالاتر (به‌دلیل حمایت اجتماعی) استرس و افسردگی کمتری نشان دادند. این پژوهش نشان داد که سلامت روان زنان تحت تأثیر پریشانی روانی ناشی از افسردگی، اضطراب، استرس، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و پیامدهای آن‌ها بوده و استرس و افسردگی پایین منجر به سلامت روانی بهتری شده است، زیرا حمایت اجتماعی استرس می‌تواند به توضیح رابطه افسردگی، اضطراب و استرس کمک کند.

جانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شرکت کنندگان با شبکه‌های اجتماعی بزرگ‌تر و نمرات بالاتر در حمایت اجتماعی دریافت شده، کمترین گرایش به استفاده از اینترنت را در داده‌های ما گزارش دادند. یک سبک مقابله هوشیار با گرایش به استفاده از اینترنت ارتباط مثبت داشت، در حالی که هیچ ارتباط قدرتمندی بین یک سبک مقابله‌ای اجتناب‌ناختی و تمایلات به استفاده از اینترنت مشاهده نمی‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از جنبه هدف در گروه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. از نظر نوع روش در دسته پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی با تاکید بر روش‌های مدلیابی و از نظر نوع داده، جز پژوهش‌های کمی محسوب می‌شود. جامعه آماری نیز زنان شاغل متأهل در بیمارستان شهید بهشتی شهر شیراز در سال ۱۴۰۲ است. جهت برآورد حجم نمونه نیز از نظریه کلاین (۲۰۰۴) بهره گرفته شد؛ وی بر این عقیده است که به ازای هر متغیر مشاهده‌پذیر ۱۰ الی ۲۰ نفر نمونه لازم است (کلاین، ۲۰۰۴؛ به نقل از حیدری و همکاران، ۱۳۹۸). اما در تحلیل مسیر می‌توان تا ۳۰ نفر نمونه را نیز لحاظ نمود. از این رو، حجم نمونه را به ازای هر متغیر مشاهده‌پذیر (مولفه‌های حمایت اجتماعی "خانواده، دوستان و دیگران"؛ سازگاری زناشویی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل) ۳۰ نفر با احتساب ریزش نمونه برآورد نموده که مشتمل بر ۲۰۰ نفر بودند که به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

مقیاس سازگاری زناشویی اسپاینر (۱۹۷۶)

مقیاس رضایت زناشویی یک ابزار ۳۲ عبارتی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن و شوهر که در سال ۱۹۷۶ توسط اسپاینر ساخته شده است. تحلیل عاملی نشان داده است که این مقیاس چهار بُعد را می‌سنجد، این ابعاد عبارت‌اند از: رضایت زوجین (میزان رضایت از جنبه‌های مختلف رابطه)، همبستگی زوجین (میزان مشارکت در فعالیت‌های مشترک) توافق زوجین (میزان

1- Jung

توافق طرفین در مسائل مربوط به رابطه زناشویی مثل امور مالی، تربیت بچه‌ها و ... و ابراز محبت (باقرزاده سکه و اسکندری، ۱۳۹۴). در این مقیاس نمره گذاری براساس طیف لیکرت (از عبارت "توافق دائم داریم" با امتیاز ۵ که یک سر طیف است تا سر دیگر آن که عبارت "همیشه اختلاف داریم" با ۰ امتیاز قرار دارد) انجام می‌شود. بنابراین نمرات بالاتر نشانه رابطه بهتر و سازگارتر است. به منظور ساخت و هنجاریابی این ابزار، اسپانیر (۱۹۷۶) مقیاس سازگاری زناشویی را بر روی نمونه‌ای از زوجین (۲۱۸ نفر) و افرادی که از همسرانشان جدا شده بودند (۹۴ نفر) اجرا کرد. ضریب آلفای کرونباخ نمره کلی مقیاس، ۰/۹۶ گزارش شد که نشان‌دهنده همسانی درونی قابل توجه و اعتبار مطلوب آزمون بود. اسپانیر (۱۹۷۶) روایی مقیاس را با روش روایی صوری مورد بررسی قرار داد و یافته‌ها حاکی از روایی مطلوب آن بود. در پژوهش ملازاده و همکاران (۱۳۸۱) با اجرا در فاصله زمانی ۳۷ روز بر نمونه ۹۲ نفری از زوج‌های جوان ضریب اعتبار به روش بازآزمایی ۰/۸۶ به دست آمد و ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۹ تعیین شد (باقرزاده سکه و اسکندری، ۱۳۹۴).

مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده زیمت

مقیاس استاندارد حمایت اجتماعی ادراک شده (MSPSS) توسط زیمت و همکاران (۱۹۸۸) تدوین شده است (به نقل از افضلان، ۱۳۹۳). این مقیاس، ادراکات بسندگی حمایت اجتماعی را در سه منبع خانواده، دوستان و دیگران مهم می‌سنجد (زیمت و همکاران، ۱۹۸۸). هر گویه بر روی یک طیف هفت درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۷) درجه‌بندی می‌شود. بنابراین در این مقیاس نمرات بالاتر نشان‌دهنده حمایت اجتماعی بالاست.

در مطالعه شکری و همکاران (۲۰۰۹) ضرایب آلفای کرونباخ عامل کلی حمایت اجتماعی ادراک شده و ابعاد سه گانه دیگران مهم، خانواده و دوستان در نمونه ایرانی به ترتیب برابر با ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ و در نمونه سوئدی به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۹۴، ۰/۸۴ و ۰/۸۹ و در کل برابر با ۰/۹۲ به دست آمد. روایی ابزار نیز توسط پژوهشگران ایرانی مورد تایید قرار گرفته است (شکری و همکاران، ۲۰۰۹).

مقیاس وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل

یک مقیاس خودگزارش بوده که دارای ۲۳ گویه است و ۴ جنبه عملکرد فردی، مدیریت‌زمان، خودکنترلی و روابط اجتماعی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (خواجه احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). گویه‌های این مقیاس دارای طیف پنج درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱)) می‌باشد (خواجه احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین در این مقیاس نمرات بالاتر نشان‌دهنده وابستگی بیشتر به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل می‌باشد. شاخص و نسبت روایی محتوی برای این ابزار به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۸۶ محاسبه شد. براساس تحلیل عامل اکتشافی تعداد گویه‌های پرسشنامه ۲۳ گویه و ابعاد مقیاس در ۴ عامل عملکرد فردی، مدیریت‌زمان، خودکنترلی و روابط اجتماعی، با توان پیش‌بینی ۵۷/۴۷۰ دسته‌بندی گردید (خواجه احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). به منظور بررسی اعتبار نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار آن با ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ و به میزان ۰/۹۲ برآورد شد (خواجه احمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

اعتبار هر سه ابزار ذکر شده، در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی و بالاتر از ۰/۷ بدست آمد. لازم به ذکر است که در خصوص متغیر میل به فرزندآوری از شرکت‌کنندگان تعداد فرزندان پرسیده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی نشان داد میانگین سنی پاسخ‌دهندگان $3/54 \pm 45/82$ با کمینه سنی ۴۰ و بیشینه ۵۳ سال بوده است که در این بین نزدیک به نیمی از شرکت‌کنندگان در محدوده سنی ۴۵ تا ۴۷ سال (۹۹ نفر معادل ۴۹/۵ درصد) قرار داشته‌اند. در خصوص مدت زمان ازدواج میانگین مدت زمان ازدواج پاسخ‌دهندگان $5/34 \pm 16/85$ با کمینه ۹ و بیشینه ۳۰ سال و برای سابقه کار نیز، میانگین مدت اشتغال پاسخ‌دهندگان $3/69 \pm 20/22$ با کمینه ۱۱ و بیشینه ۲۴ سال بود. از بین شرکت‌کنندگان، ۹/۵ درصد بدون فرزند، ۴۸ درصد دارای یک فرزند، ۳۴ درصد دارای دو فرزند و ۸/۵ درصد دارای سه فرزند بوده‌اند. در خصوص سطح تحصیلات نیز، ۱۸ درصد سطح تحصیلات کاردانی، ۵۷ درصد کارشناسی، ۱۸ درصد کارشناسی ارشد و ۷ درصد دارای مدرک دکترای بوده‌اند. سایر اطلاعات نیز در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. ارتباط متغیرهای پژوهش با مشخصات فردی-شغلی

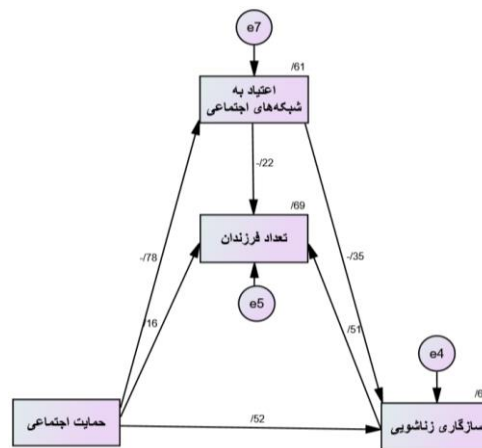
متغیر	$M (SD)$	متغیر	$M (SD)$
سن	۴۵/۸۲(۳/۵۴)		
سابقه کار	۲۰/۲۲(۳/۶۹)		
مدت زمان ازدواج	۱۶/۸۵(۵/۳۴)		
	خانواده		۱۷/۲۳(۴/۶۰)
حمایت اجتماعی	دوستان	۴۷/۷۹(۱۱/۰۱)	۱۵/۴۸(۴/۱۸)
	دیگران		۱۵/۱۷(۳/۴۳)
اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی	۷۱/۸۸(۱۷/۲۶)		
سازگاری زناشویی	۸۲/۷۳(۲۵/۶۶)		
SD : انحراف معیار، M : میانگین			
متغیر	۱	۲	۳
	r		
حمایت اجتماعی	۱		
اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی	-۰/۷۸**	۱	
سازگاری زناشویی	۰/۷۹**	-۰/۷۶**	۱
سن	۰/۱۶*	-۰/۳۱**	۰/۲۴**
داشتن فرزند	۰/۷۴**	-۰/۷۳**	۰/۸۰**

*: ضریب همبستگی پیرسون، **: سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ ($P < 0.05$)، **: سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ ($P < 0.01$)

مطابق جدول (۱) میانگین نمره برای خرده‌مقیاس خانواده $17/23 \pm 4/60$ ، برای دوستان برای $47/79 \pm 11/01$ بدست آمد. برای نمره کل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی نیز میانگین نمره $71/88 \pm 17/26$ و برای سازگاری زناشویی $82/73 \pm 25/66$ حاصل شد. علاوه بر این، ضریب همبستگی بدست آمده در خصوص رابطه حمایت اجتماعی با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و سازگاری زناشویی به ترتیب با مقادیر $-0/78$ و $0/79$ بدست آمد و برای رابطه بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی $0/79$ حاصل شد. تمامی ضرایب بدست آمده با اطمینان ۹۹ درصد و خطای کمتر از ۱ درصد از نظر آماری معنادار بودند ($P < 0.01$). همچنین ضرایب همبستگی در خصوص رابطه سن با حمایت اجتماعی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و سازگاری زناشویی به ترتیب $0/16$ ، $-0/31$ و $0/24$ به دست آمد که در سطح

اطمینان ۹۵ درصد و خطای کمتر از ۵ درصد ($P < 0.05$) برای حمایت اجتماعی و در سطح اطمینان ۹۹ درصد و خطای کمتر از ۱ درصد ($P < 0.01$) برای دو متغیر دیگر، معنادار بوده است. در خصوص رابطه بین داشتن فرزند و متغیرهای ذکر شده نیز به ترتیب ضرایب 0.74 ، -0.73 و 0.80 بدست آمد که هر سه مورد بیان شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد و خطای کمتر از ۱ درصد معنادار بوده‌اند ($P < 0.01$). جهت رابطه نیز در خصوص متغیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی؛ برای حمایت اجتماعی، سازگاری زناشویی، سن و داشتن فرزند رابطه‌ای معکوس را نشان داد.

در ادامه، پس از اطمینان از وجود رابطه بین متغیرهای مورد بررسی، جهت آزمون مدل ارائه شده؛ از تحلیل مسیر استفاده شد. با توجه به اینکه شاخص کیفیت نمونه‌برداری (KMO)^۱ بالاتر از 0.7 حاصل شده (0.763) از این رو داده‌ها از کفایت لازم برخوردار و مجاز به انجام فرآیند تحلیل مسیر بوده‌ایم. نمودار مسیر نتایج آزمون مدل (بررسی نقش میانجی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در ارتباط بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی زنان شاغل با تمرکز بر میل به فرزندآوری) به روش تحلیل مسیر، را نشان می‌دهد. این نمودار نمایانگر ضرایب مسیر در رابطه علی بین متغیرهای پژوهش است. همچنین مقادیر اثرات مستقیم در مدل تحلیل مسیر را می‌توان در جدول شماره (۲) مشاهده کرد.



نمودار ۱. مدل مسیر براساس مقادیر استاندارد در سطح نمره کل

1. Kaiser-Meyer-Olkin

جدول ۲. مقادیر ضرایب اثر مستقیم در متغیرهای مدل مسیر

مسیر اثر	ضریب مسیر	مقدار بحرانی (C.R)	سطح معناداری	وضعیت مسیر
حمایت اجتماعی ← اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی	-۰/۷۸	-۱۷/۵۲	P<0.05	تایید
حمایت اجتماعی ← سازگاری زناشویی	۰/۵۲	۸/۱۷	P<0.05	تایید
حمایت اجتماعی ← تعداد فرزندان	۰/۱۶	۲/۱۸	P<0.05	تایید
اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ← سازگاری زناشویی	-۰/۳۵	-۵/۵۱	P<0.05	تایید
اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ← تعداد فرزندان	-۰/۲۲	-۳/۳۱	P<0.05	تایید
سازگاری زناشویی ← تعداد فرزندان	۰/۵۱	۷/۲۳	P<0.05	تایید

همان‌طور که در نمودار مسیر و جدول (۲) مشخص است؛ حمایت اجتماعی اثر منفی بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و اثر مثبت بر سازگاری زناشویی دارد. علاوه بر این، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی اثری منفی بر سازگاری زناشویی را نشان داده و از سوی دیگر اثر حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی بر تعداد فرزندان مثبت بوده است اما اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر تمایل به داشتن فرزند اثری منفی اعمال کرده است. باید در نظر داشت که شاخص T معیار سنجش معناداری روابط مستقیم در تحلیل مسیر است و این مقدار در صورتی که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بزرگتر یا مساوی قدر مطلق ۱/۹۶ باشد، روابط معنادار را نشان می‌دهد. مطابق جدول (۲)، مقادیر بحرانی دارای قدر مطلق بالاتر از ۱/۹۶ هستند. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان و خطای کمتر از ۵ درصد این مسیرها تایید می‌شوند ($P<0.05$).

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل مسیر

نوع شاخص	شاخص‌ها	مقدار به دست آمده	نقطه برش
مطلق	ریشه‌ی میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۷۷	کمتر از ۰/۰۸
افزاینده (نسبی)	شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)	۰/۹۵	حداقل ۰/۹۰
	شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۶	حداقل ۰/۹۰
	شاخص برازش نرم شده (NFI)	۰/۹۱	حداقل ۰/۹۰
	شاخص برازش نرم نشده تا کر لوئیس (TLI)	۰/۹۶	حداقل ۰/۸۰
صرفه‌جو (مقتصد)	کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF)	۲/۸۴	کمتر از ۳

جهت بررسی برازش مدل ارائه شده، از شاخص‌های برازندگی مدل استفاده شد که دستاورد آن در جدول (۳) مشاهده می‌شود. تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار ایموس سه طبقه از شاخص‌های برازش مدل (شاخص‌های برازش مطلق، افزایشده و صرفه جو) را ارائه داد. در پژوهش حاضر از معتبرترین نمرات برش برای ارزیابی برازش مدل استفاده شد. ارزش شاخص RMSEA بین ۰/۰۸ تا ۰/۱۰ و کای اسکوئر نسبی پیرامون ۳ نشان‌دهنده برازش قابل قبول مدل است. سایر شاخص‌های برازش نیز هر چه به مقدار ۱ نزدیکتر باشند نشانه برازش داشتن مدل هستند. مطابق جدول (۳) مدل مسیر ارائه شده از برازندگی قابل قبولی برخوردار است اما به منظور دستیابی به نتایج غنی‌تر، متغیر حمایت اجتماعی در سطح خرده‌مقیاس هم مورد بررسی قرار داده شد تا مشخص گردد از بین سه خرده‌مقیاس خانواده، دوستان و دیگران، کدامیک بیشترین تاثیر را در مسیر دارند.

جدول ۴. مقادیر ضرایب اثر مستقیم در متغیرهای مدل با در نظر گرفتن خرده‌مقیاس‌های حمایت اجتماعی

مسیر اثر	ضریب مسیر	مقدار بحرانی (C.R)	سطح معناداری	وضعیت مسیر
خانواده ← اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی	-۰/۲۶	-۳/۲۴	P<0.05	تایید
خانواده ← سازگاری زناشویی	۰/۰۶	۸/۱۷	P<0.05	تایید
خانواده ← تعداد فرزندان	۰/۲۰	۰/۸۶	P>0.05	رد
دوستان ← اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی	-۰/۴۶	-۴/۶۳	P<0.05	تایید
دوستان ← سازگاری زناشویی	۰/۴۱	۴/۴۶	P<0.05	تایید
دوستان ← تعداد فرزندان	۰/۱۰	۱/۰۲	P<0.05	رد
دیگران ← اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی	-۰/۱۰	-۱/۴۷	P<0.05	رد
دیگران ← سازگاری زناشویی	۰/۰۸	۱/۳۲	P<0.05	رد
دیگران ← تعداد فرزندان	-۰/۰۸	۱/۳۳	P<0.05	رد
اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ← سازگاری زناشویی	-۰/۳۵	-۵/۵۰	P<0.05	تایید
اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی ← تعداد فرزندان	-۰/۲۰	-۲/۹۸	P<0.05	تایید
سازگاری زناشویی ← تعداد فرزندان	۰/۴۹	۷/۱۱	P<0.05	تایید

همان‌طور که جدول (۴) نشان داده است؛ خرده‌مقیاس‌های خانواده و دوستان از متغیر حمایت اجتماعی اثر منفی بر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و اثر مثبت بر سازگاری زناشویی دارند

($P < 0.05$). مقادیر بحرانی مسیرهای ذکر شده دارای قدر مطلق بالاتر از ۱/۹۶ هستند. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان و خطای کمتر از ۵ درصد این مسیرها تایید می‌شوند ($P < 0.05$). اما خرده‌مقیاس "دیگران" در هیچ یک از مسیرها اثر معناداری را اعمال نکرده است ($P > 0.05$). در ادامه جهت بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازندگی مدل استفاده شد که دستاورد آن حاکی از عدم برازش مدل مربوطه بوده است. با توجه به معنادار نبودن مسیرها در مدل دوم؛ عدم برازش مدل مذکور دور از انتظار نبود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در ارتباط بین حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی زنان شاغل با تمرکز بر میل به فرزندآوری بود. در همین راستا بررسی نتایج همبستگی بین متغیرهای ذکر شده در سطح نمره کل و خرده‌مقیاس حاکی از وجود رابطه معنادار بود. در راستای تایید همبستگی بین متغیرها، مدل مسیر ترسیم گردید و یافته‌ها نشان داد مدل پیشنهادی ارائه شده در سطح نمره کل مورد تایید است، چرا که مقدار ریشه میانگین مجذور خطای برآورد (RMSEA) در حد مطلوب (کمتر از ۰/۱۰) قرار داشتند. علاوه بر آن شاخص‌های برازندگی مطلوب بودند (بیشتر از ۰/۹). بنابراین مدل ارائه شده مورد تایید واقع شد اما در خصوص معنادار بودن مسیرهای موجود در مدل، این مسیر تنها برای نمره کل معنادار بود و برازش مدل در سطح خرده‌مقیاس مورد تایید قرار نگرفت. این یافته (در سطح نمره کل) با پژوهش‌های درخشان و همکاران (۱۳۹۷)؛ عباس و همکاران (۲۰۱۹) و جانگک و همکاران (۲۰۱۹)، عباسی و منتظر (۱۳۹۸)؛ لین و همکاران (۲۰۱۶) همسو بوده است.

حمایت اجتماعی با فواید روانی بی‌شماری همراه است، از جمله بهبود اعتماد به نفس، احساس توانمندسازی، کارآیی و کیفیت زندگی. سازگاری زناشویی حالتی است که در آن احساس کلی بین زن و شوهر، از خوشبختی و رضایت از ازدواج خود و با یکدیگر وجود دارد. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان داد خانواده، دوستان و حمایت اجتماعی کلی با سازگاری زناشویی در زنان شاغل متاهل ارتباط معنی‌داری داشت. این یافته‌ها می‌تواند برای رفع مشکلات سازگاری زناشویی غالب در جامعه استفاده شود (احمد و خان، ۲۰۱۸). از سوی دیگر شبکه‌های اجتماعی

مجازی به کاربران امکان می‌دهد با غلبه بر مرزهای جغرافیایی و زمانی، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و از این طریق به مردم این امکان را می‌دهند که از طریق برخط به جستجوی حمایت اجتماعی بپردازند (لین و همکاران، ۲۰۱۶). به نظر می‌رسد حمایت اجتماعی می‌تواند در دنیای واقعی و فضای مجازی نقش مهمی را برای احساس حمایت فراهم کند. به این صورت که انسان موجودی اجتماعی است اگر حمایت اجتماعی ناکافی را در دنیای واقعی احساس کند، برای جبران این نیاز از فضای مجازی بهره می‌گیرد و به دلیل خاصیت پاداش‌دهی و بازخوردهای مثبت این رفتار به اعتیاد تبدیل می‌شود (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹). حمایت اجتماعی یک ارزش کلیدی اجتماعی در نظر گرفته شده است که کاربران برخط می‌توانند از شبکه‌های اجتماعی مجازی بدست آورند (لین و همکاران، ۲۰۱۶)، در واقع در قرن حاضر اینترنت نقش کلیدی در توسعه معاشرت‌های اجتماعی ایفا می‌کند (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹) اما این امر برای خانواده‌های ایرانی که سبک زندگی آنان متناسب با الگوی ایرانی-اسلامی است؛ چالش برانگیز است با این حال حمایت اجتماعی می‌تواند وابستگی به شبکه‌های اجتماعی را تعدیل کند. به این صورت که اگر کاربران در دنیای واقعی حمایت اجتماعی واقعی را تجربه کنند، استفاده از شبکه‌های اجتماعی با هدف برآورده‌سازی حمایت اجتماعی تعدیل می‌شود و از طرفی اگر دنیای واقعی این نیاز را برآورده نسازد از فضای مجازی به عنوان وسیله‌ای برای ارضای این نیاز استفاده می‌کنند تا از میزان ضعف‌هایی که ناشی از اضطراب‌های جدایی و عزت نفس شکننده است، کاسته و روابط بین فردی خود را متناسب با نیاز خود تنظیم کنند (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۹).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد بین تعداد فرزندان و سازگاری زناشویی رابطه مثبت اما بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و تعداد فرزندان و نیز سازگاری زناشویی رابطه منفی برقرار بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت استفاده بیشتر از شبکه‌های اجتماعی باعث وابستگی افراد به این فضا و بروز شکاف ارتباطی بین زوجین می‌گردد که این امر به شکل کاهش سازگاری زناشویی و نیز عدم تمایل زوجین به داشتن فرزند در خانواده نمود پیدا می‌کند و این از تاثیرات نامطلوب اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر آن است. از سویی دیگر یافته‌های پژوهش رابطه مثبت و معناداری بین حمایت اجتماعی و تعداد فرزندان و نیز سازگاری زناشویی نشان داد. در تبیین این یافته

می‌توان گفت منطبق با پژوهش‌های پیشین، حمایت اجتماعی به عنوان تعدیل‌کننده انسجام زناشویی و محبت عمل می‌نماید (عباس و همکاران، ۲۰۱۹).

به‌طور کلی دنیای مجازی با سهمی که از زندگی روزمره کاربران به‌خصوص برای زنان شاغل که زمان‌های استراحت در محل کار خود را عمدتاً صرف حضور در آن می‌کنند، در اختیار گرفته است تغییرات زیادی را در فضای ذهنی و تجارب عینی افراد ایجاد کرده که در بسیاری از موارد این تغییرات با آنچه که در گذشته به عنوان معیارهای سلامت خانواده و سازگاری زناشویی مورد قبول واقع شده بود، تفاوت دارد و یا آن‌ها را متحول کرده است. از این‌رو به نظر می‌آید که در چنین شرایطی نوعی آشفتگی و خلأ حاصل از نبود معیارهای متناسب با شرایط جدید به‌وجود می‌آید و می‌تواند زمینه‌های بروز ناسازگاری زناشویی را برای زوجین فراهم سازد چرا که با ورود زوجین به فضای مجازی، از یک‌سو از میزان زمانی که آن‌ها در کنار هم به سر می‌برند کاسته می‌شود. این زمان در کنار هم بودن به خودی خود به‌واسطه اشتغال زن کاسته شده است (هر چند در برخی مشاغل از همین فضای مجازی برای ارتباط زوجین با هم استفاده می‌شود اما در مواردی دیگر که مرد شاغل در سازمان یا شغلی خاص است، اجازه استفاده از گوشی هوشمند را ندارد) و حال با وابستگی زوجین به شبکه‌های مجازی این زمان باز هم کمتر می‌شود و این خود می‌تواند زمینه‌های تضعیف همبستگی دوفرنی و بروز ناسازگاری زناشویی و یا عدم تمایل آنان به داشتن فرزند را به وجود آورده و یا آن را تشدید نماید.

در مجموع انجام این پژوهش مشابه هر پژوهش دیگری بی‌تاثیر از محدودیت‌های پیش روی پژوهشگر نبوده و از جمله آن می‌توان به محدودیت در تعمیم نتایج به دلیل عدم کنترل سایر متغیرهای دخیل بر نتایج پژوهش اشاره نمود. براساس نتایج به‌دست آمده از پژوهش می‌توان به بررسی تعیین‌کنندگی سایر متغیرها در متغیر سازگاری زناشویی پرداخته و در جهت طراحی و کاربست برنامه مداخلاتی مبتنی بر افزایش حمایت اجتماعی در راستای ارتقاء شاخص سازگاری زناشویی در مراکز مشاوره خانواده و ازدواج اقدام نمود. همچنین با توجه به تأثیرگذاری حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی بر زنان شاغل و تمایل آنان به داشتن فرزند، پیشنهاد می‌شود بحث تغییر قوانین کار زنان و کاهش ساعت کاری آنان مدنظر مسئولین قرار داده شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد آموزش و مشاوره کافی و مستمر به زوجین قبل و بعد از ازدواج ارائه شده و بر ارتقاء

حمایت اجتماعی با هدف ارتقاء کیفیت و کمیت شبکه‌های حمایتی تمرکز گردد چرا که می‌تواند باعث تقویت اثرات محافظتی و جوانی جمعیت شود. به سیاست‌گذاران و متخصصین حرفه‌ای در حوزه مددکاری اجتماعی نیز پیشنهاد می‌شود با زنان و خانواده‌ها کار کرده و در برنامه‌ریزی سیاست اجتماعی و مداخلات مرتبط در حوزه سلامت به نقش حمایت اجتماعی در سازگاری زناشویی توجه نموده و از آن استفاده نمایند.

منابع

- Abbas, J., Aqeel, M., Abbas, J., Shaher, B., Jaffar, A., Sundas, J., & Zhang, W. (2019). The moderating role of social support for marital adjustment, depression, anxiety, and stress: Evidence from Pakistani working and nonworking women. *Journal of affective disorders*, 244, 231-238.
- Abbasi, Gh., Mantazer, A. (2019). Investigating the relationship between gratitude, humor and social support with marital satisfaction in nurses. *Health and care magazine*. 21 (1): 34-43. [in Persian]
- Ahmad, M., & Khan, A. (2018). Social Support And Marital Adjustment In Married Working Women. *Education, Sustainability & Society (ESS)*, 1(2), 5-7.
- Bagherzade Seke, M., Eskandari, H. (2015). The relationship between quality of life and marital adjustment among teachers, *International Conference on Humanities, Psychology and Social Sciences*, Tehran, Institute of Ide Pardaz Capital Ilia. [in Persian]
- Derakhshan, S., Rahimi Pordanjani, T., & Amani, M. (2019). The relationships between work-family conflict and marital adjustment in married female nurses: The moderating role of social support. *The Horizon of Medical Sciences*, 25(1), 44-9. [in Persian]
- Fardad, F., Dokanei Fard, F., & Mirhashemi, M. (2022). Structural model of predicting marital commitment based on differentiation and communication patterns with mediating role of emotional intelligence of married women. *Journal of Applied Family Therapy*, 3(2), 631-657. [in Persian]
- Fariborz, Z., Sarukhani, B., & Hazrati Suma'eh, Z. (2020). A Sociological Study of the Relationship between Addiction to Virtual Social Networks and Emotional Divorce in Tehran Families. *The Women and Families Cultural-Educational*, 15(51), 117-150. [in Persian]
- Fotoohi, S., Keshavarzafshar, H., Samavati, M. (2023). Investigation the Mediating Role of Instagram Addiction in Predicting Marital Commitment Based on Personality Traits. *Journal of Modern Psychological Researches*, 18(69), 185-193. [in Persian]
- Ghanadzadegan, H., Sepah Mansour, M., Kochak Entezar, R., & Salehi, M. (2021). Internet addiction modeling based on social support mediation alexithymia among the students. *Journal of School Psychology*, 10(2), 119-137. [in Persian]
- Hetherington, E L. (2019). Social Support in a Pregnant and Postnatal Population. Thesis, *Cumming School of Medicine: University of Calgary*. 1-122

- Heydari S, Lajmiri S, Barzegar M, Azadyekta M, Tohidi A. (2020). Factor Structure and Internal Consistency of the Harman-Jones Attitude Toward Emotion Scale (ATES). *Journal of frooyesh*. 8 (12) :115-122. [in Persian]
- Hosseini, B., Niknam, M. (2020). Communication skills and marital satisfaction: considering the moderating role of addiction to virtual social networks. *Journal of Modern Psychological Researches*, 15(58), 80-96. [in Persian]
- Jung, S., Sindermann, C., Li, M., Wernicke, J., Quan, L., Ko, H. C., & Montag, C. (2019). Anxiety-Related Coping Styles, Social Support, and Internet Use Disorder. *Frontiers in psychiatry*, 10, 640
- Karimi Rabbani, M., Momeni, F. (2016). The relationship between social supports with the use of social networks among university students. *Journal of Applied Psychological Research*, 6(4), 175-188. [in Persian]
- Keshavarz hedayati, R., Keshavarzi, M., & Shafiabadi, A. (2021). Training in the skills of using virtual social networks on the marital satisfaction of couples seeking divorce. *Family and Health*, 10(4), 55-65. [in Persian]
- Khajeh Ahmadi, M., Poladi Sh., Bahraini, M. (2016). Design and psychometrics of mobile based social network addiction questionnaire. *Psychiatric Nursing*. 4 (4): 43-51. [in Persian]
- Lin, X., Zhang, D., & Li, Y. (2016). Delineating the dimensions of social support on social networking sites and their effects: A comparative model. *Computers in human behavior*, 58, 421-430.
- Malekiyan, N., & Bahadori, M. (2017). Investigating the use of virtual social networks and couples' commitment and intimacy. *Social Research*, 9(36), 31-50. [in Persian]
- Masho S.W, E Do and S Adekoya. (2014). Social Support and Smoking during Pregnancy. *Journal of women's health care*. 3: 1000179
- Mohammadi, E., Khosh Akhlagh, H., & jalali, E. (2022). Qualitative study of psychological-cultural and social problems of addiction to virtual networks and the Internet on the marital relations of couples in Isfahan. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 13(50), 275-303. [in Persian]
- Mousavi, M., Alizade, H., & Veysuei, M. (2019). Prevalence of social network addiction and its association with depression, anxiety, and stress among Iranian internet users. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 21(6), 349-357. [in Persian]
- Mousavi, M., Alizade, H., & Veysuei, M. (2019). Prevalence of social network addiction and its association with depression, anxiety, and stress among Iranian internet users. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 21(6), 349-357. [in Persian]

- Nikbaksh, B. (2018). Study on Social Networks in cyberspace as a Newly-Emerged Social Phenomenon and their Effects on Family Hearth (Case study: District 8 of Ahvaz County). *Society Culture Media*, 7(27), 49-63. [in Persian]
- Pournaghash Tehrani, S., Khaki sedigh S.(2022). The Mediating Role of Perceived Social Support between Social media Addiction and Attachment Styles in Adult Instagram users in Tehran. *Rooyesh*, 11 (3) :159-170. [in Persian]
- Qarabaghi, H., Salehi, V., & Delrouz, K. (2021). Effect of Virtual Social Networks on Religious Orientation, Ethics, Academic Achievement and Leisure among the Youth in Hamedan Province. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 20(51), 71-96. [in Persian]
- Sharifi, M., Vaseghi, M., Hoseinaei, A., & Ghorbani, A. (2022). Predicting attitudes toward Extra Marital Relationship based on the use of virtual social networks, personality traits, and early maladaptive schemas in women. *Women and Family Studies*, 14(54), 99-116. [in Persian]
- Shokri O, Kadivar P, Zeinabadi H, Ghanaei Z, Naghsh Z, Tarkhan R ans et al. (2009). The relationship between neuroticism, counter styles, educational stressors and mental well-being in university students. *Psychology Journal*. 1(13): 36-53.
- Surkan P.J, et al. (2019). Paternal involvement and support and risk of preterm birth: findings from the Boston birth cohort. *Journal of Psychosomatic Obstetrics & Gynecology*. 40: 48-56.
- Tahmasebi, M., baradaran, M., & mirzaei, M. (2021). Moderating Role of Social Support in the Relationship between Interpersonal Sensitivity and Cyber Addiction. *Social Psychology Research*, 10(40), 119-134. [in Persian]
- yarigaravesh, M., Ameri, F., farahbijari, A., & dehshiri, R. (2019). Investigating the Relationship between Mothers Use of Social Networks and Behavioral Disorders in their Children. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 17(1), 193-218. [in Persian]